

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه ی ۱۳ ، شنبه ۱۱ مهر ۱۳۹۴ - ۱۹ ذی الحجه ۱۴۳۶

### مقدمه

در بیان دلیل عقلی ضرورت تشکیل حکومت اسلامی در زمان غیبت مقدمه اول که جامعیت قلمرو دین و قرار داشتن حکومت جزء وظایف دین بود بر اساس ادله عقلی و شرعی روشن شد. در ادامه لازم است مقدمه دوم یعنی جهان شمولی اسلام که بر استمرار حکومت در تمام زمانها از جمله عصر غیبت دلالت دارد مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

### جهان شمول بودن اسلام در تشریح و تنفیذ

جهان شمول بودن اسلام هم در تشریح و هم در تنفیذ است. یعنی علاوه بر آنکه مقررات اسلام برای همه مردم در تمام زمانها و مکانها تشریح شده است، وجود ابزار اجرایی آن نیز در همیشه دوران برای هر قومی ضرورت دارد. بنابراین در عصر غیبت امام زمان نیز احکام تشریح شده توسط دین و ابزار اجرایی آن باید محقق شود.

البته ممکن است در دوره ای مانعی برای تنفیذ و اجرایی شدن احکام به وجود آید. اگر این مانع غیر ارادی و ناشی از عملکرد افراد نباشد اشکال به وجود می آید که چرا خداوند ابزار اجرای دین را با مانع مواجه کرده و اسباب رفع مانع را فراهم نکرده است. لیکن اگر مانع به صورت ارادی و توسط انسانها ایجاد شود و خود انسانها مانع تنفیذ و اجرایی شدن احکام شوند نقص و اشکالی بر اسلام وارد نیست. مثل آنکه در دوران پس از رحلت پیامبر خود مردم از روی آوردن به حجت خدا و مظهر اجرایی حاکمیت الله خودداری کردند. یا در زمان غیبت امام زمان که مردم با

رفتار و عملکرد خود حجت خدا را در پس پرده غیبت قرار داده‌اند. چنانکه از شیخ طوسی نقل شده که فرمود:  
وجوده لطف و امامته لطف آخر و غیبتة منا.

لذا به نظر می‌رسد معنای سخن شیخ طوسی این است که مردم در عصر غیبت مکلف و موظف‌اند موانع غیبت امام زمان را برطرف کنند تا فضا برای تنفیذ و اجرایی شدن احکام توسط امام فراهم شود.

### عامل غیبت امام زمان:

به نظر ما وظیفه جهانی سازی حاکمیت اسلام مهم‌ترین عامل غیبت ایشان است. چه از آن رو که امام زمان مسئولیت جهانی سازی حاکمیت الله را بر عهده دارند تا زمان مهیا شدن شرایط نمی‌توانند ظاهر شوند. البته ایشان قدرت و امکاناتی دارند که از آن‌ها استفاده می‌کنند و یکی از آن امکانات، عمر طولانی حضرت است.

### اشکال:

چنانکه گذشت که اگر مانع اجرای تنفیذ و اجرای احکام غیر ارادی باشد نقص اسلام است و جهان شمولی دین با اشکال مواجه می‌شود. این در حالیست که مانع اجرای احکام در زمان غیبت انحصاری بودن حاکمیت برای امام معصوم است. به بیان دیگر اسلام ابزاری برای تنفیذ و اجرای احکام در نظر گرفته که در زمان غیبت حضور ندارد. بنابراین جهان شمول بودن دین حداقل در حوزه تنفیذ با اشکال مواجه است.

### پاسخ:

اگرچه حاکمیت منحصرأً برای امام معصوم است اما اجرای احکام بر عهده عموم مردم است. چنانکه در آیات زیادی از قرآن که در ادامه می‌آید به این معنا اشاره شده است:

إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُضَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ<sup>١</sup>

وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَانِكَ مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ<sup>٢</sup>

الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلِيَشْهَدَ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ<sup>٣</sup>

وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتِلُوا فَاصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ<sup>٤</sup>

وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَأَخْرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ<sup>٥</sup>

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ<sup>٦</sup>

البته اينکه اجرای احكام به عموم مردم واگذار شده به اين معنا نيست كه هر كس خودش حكم را اجرا كند، چه در اين صورت هرج و مرج به وجود مي آيد. معنای اجرای احكام توسط مردم اين است كه عموم مردم مكلفاند قدرتی را به منظور اجرای احكام الهی تشكيل دهند.

١. سوره مائده، ٣٣.

٢. سوره مائده، ٣٨.

٣. سوره نور، ٢.

٤. سوره حجرات، ٩.

٥. سوره انفال، ٦٠.

٦. سوره انفال، ٣٩.

## نتیجۀ بحث

همانگونه که تشریح احکام همگانی و جهان شمول است، تنفیذ و اجرایی ساختن حکم نیز همگانی است. از این رو همه مردم در تمام زمانها موظف به اجرایی ساختن احکام و ایجاد قدرت و تشکیلاتی اند که توان اجرای احکام را داشته باشد. البته چنین تشکیلات و قدرتی که توان اداره و اجرای احکام را داشته باشد کسی غیر از شخص معصوم نیست.

نسبت به زمان غیبت نیز مردم موظفاند احکام را تنفیذ و اجرا کنند. اما چون امام معصوم در دسترس نیست لازم است موانع غیبت را بر طرف کنند تا فضا برای تشکیل حکومت و اجرای احکام فراهم شود. پر واضح است که صحیح نیست بگوییم گرچه مردم به تنفیذ احکام مکلفاند ولی چون معصوم نیست که اجرای حکم را عهده دار شود تکلیفی ندارند. چه در این صورت به تعطیلی احکام از ابتدای عصر غیبت تا زمان حضور حضرت منجر می شود که با جهان شمولی اسلام منافات دارد.